

جناب میرزا آقا علیه بهاء الله الأبهی ملاحظه نمایند

هوالأبهی

ای خادم امر الله و ای بنده درگاه کبریا جناب میرزا عبدالله چندی بود که در صحرای حرمان قصد آستان حضرت رحمن نموده و فیافی و قفار و دشت و هامون و صحرا و دریاها قطع فرموده تا آنکه بمطاف ملاء اعلی و کعبه آمال مظاهر قدسیه و مطالع معراج اودانی فائز گردید مدتی دیده را از کحل بصیرت خاک این آستان روشن و جان و دل را از نفحاتش رشک گلزار و چمن نمود شب و روز بملاقات در انجمن مظلومان میگذرانید حال بروحی جدید و حالتی بدیع و توکل بحق و توسل بذیل اطهر آهنگ رجوع نمود و طبل رحیل بعزم وطن جلیل بکوفت در این ساحت یاد آن دوست حقیقت و مشتاق جمال احدیت کرد و خواهش رقمی نمود من نیز قلم برداشتم از عدم فرصت بسرعت تمام این نامه نگاشتم اینقدر بدان که خدماتت در این آستان مشکور و زحمات معلوم و مشهور و همّت و جهدت مشهود و مذکور است و از حقّ میطلبیم که پاداش و ثوابش را و تأثیرات خوشش را عنقریب در این دار فانی و مکافات عظیمه و خیرات جلیله‌اش را در دار باقی مشاهده نمائی تا در ملکوت الهی چون گل بشکفی و چون سراج وهاج گردی جزاک الله خیر الجزاء فی الآخرة و الأولى و البهاء علیک ع ع